پاسخ :

انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی

به سخن پراکنی رهبری حزب توده

حزب توده هرچه بیشتر در دام ارتجاع فرو میغلطد!

به نام خدا

نوشته حاضر پاسخی است به اظهارات آقای کیانوری، در مورد "سازمان مجاهدین خلق" که در روزنامه "مردم" ارگان حزب توده در شماره نوزدهم مهرماه ۵۹ چاپ شده است.

ما بعنوان هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، اگرچه معتقدیم که اظهارات کمیته مرکزی حزب توده به سبب سابقه‌ای که در حمایت بی‌دریغ از سیاست خارجی امپریالیسم و سازشکاری و وابستگی قابل پاسخ باشد، ولی بر این لازم دانستیم برای یکبار هم شده به اینگونه اظهارنظرها پاسخ دهیم.

آقای کیانوری که ظاهرا "در یک بحث درباره تجاوز عراق به ایران به ارزیابی نشسته و وظایف اعضای حزب توده در شرایط کنونی را ترسیم میساخت" در سال تعیین این وظایف مطالبی را نیز بر علیه مجاهدین خلق ایران میگوید.

در اساسی مواضع مشترک حزب توده با ارتجاع و انحطاط‌طلبان هرچه عمیق و عمیقتر میشود و تا آنجا میرسد که بر علیه سازمانی که بعنوان یکی از انقلابیترین و ضد امپریالیستترین نیروی موجود در ایران در جریان انقلاب مشخص شده است جبهه میگشاید. سازمانی که به بهای رنج و خون رشیدترین فرزندان این میهن در روبارویی مستقیم با رژیم آریامهری و حامی امپریالیسم آمریکا سنت تاریخی مبارزات را شکسته و با ترفندی پرحجم

با زره مسلحانه ونفی انواع واقسام عافیت‌جویی‌های رفرمیستی وفرصت طلبانه ،راهگشای مبارزات ضد امپریالیستی خلق گردیده است .

قبل ازهرچیز ابتدا ما "ازآقای کیانوری سوال میکنیم ،درآنزمان که بارزین ومجاهدین خلق درایران،قهرمانانه درمیدان آتش وخون به نبرد ارژیم ددمنش ووابسته شاه پرداخته ودرجبهه های نبردمرگ وزندگی حماسه آفریدند ،ایشان درکدام کشوراروپایی مشغول جنگ !! بودندکه امروز دم زجنگ میزنند ؟

تاآنجاکه ما به یاد داریم وتاریخ مبارزات خونبارخلقمان نشان میدهد ماجزاینکه درگوشه ای امن به ردیه نویسی نشسته وفی الواقع به "مردم" روشی بپردازید ،تاکنون هنری نداشته اید .اما امیدواریم که لااقل این ننگ بتواندشما را ازکنج خانه ها وازپشت میزهای بحث بیرون کشیده و اقعیات سرسخت حداقل شهامتی رابه شما بدهد .

آقای کیانوری درموردسازمان مجاهدین خلق ایران میگوید :"افراد شکیل دهنده سازمان بطورعمده افرادی هستندضدامپریالیست ،اما رهبری ازمان دچار اشتباهات جدی شده است که عواقب بسیار منفی آن دردروکردن بهه متحدخلق کمترازنیروهای قشری نیست "!

جای تعجبی نیست اگردرشرایطی که تیغ ارتجاع هم برگردن نیروهای قلابی وهم "توده "های "مردم" فرودآمده است ومردم دسته دسته ،به مسلخ وامفریبی برده میشوند ،آقای کیانوری مجاهدین رابانیروهای قشری تشبیه کنند ،چراکه درپرتوموضع اپورتونیستی وسازشکارانه و "مردم "فروشی توده است که ایشان تاکنون خودراحفظ نموده اند .وچه باک اگرمجاهدین که رهنگامه ابتذال وریا ،فارغ ازهرگونه شائبه قدرت پرستی ومقام جویی، یوسته درصفوف نخستین نبردضدامپریالیستی بوده اند ،اکنون ازجانب وا ماندگانی همچون سردمداران حزب توده اینچنین تلقی گردند!

والحق که اگردریوزگی وسربرآستان سائیدن حضرات نمود درست در مانیکه خفقان بیدادمیکندوتمامی انتشارات گسترده ترین سازمان سیاسی

ـ انقلابی کشور، توقیف، ممنوع الانتشار اعلام میگردد، "مردم" فروشی حزب توده با اجازه رسمی دوباره از سرگرفته نمیشد!

سوای سوابق آقای کیانوری که خود ایشان و "توده" "مردم" ایران بیشتر از ما بدان آگاهی دارند، باید بگوئیم که تصور ایشان از جبههٔ متحد خلق، همان ادامهٔ سیاست فرصت طلبانهٔ حزب است و نه اعتقاد واقعی به جبههٔ متحد خلق.

قبل از هرچیز، پس از خواندن مقالهٔ مذکور آنچه به ذهن میرسد، اینکه در واقع آقای کیانوری میخواهد کفارهٔ گناهان گذشتهٔ خود را با باج دادن و در یوزگی به ارتجاع بپردازد. اما باید بگوئیم که ایشان باید کفارهٔ گناهان گذشته را به "توده" "مردم" ایران که منجمله عملکردهای خصمانهٔ رژیم، پشتشان را شکست و سالها آنان را در معرض ناخت و تاز شاه خائن و دار و دستهٔ تبهکارش قرار داد بپردازد و نه به ارتجاع! اگر ایشان گمان میکنند که جبههٔ متحد خلق با تسلیم و انحلال نیروهای انقلابی، تشکیل میشود، زهی خیال باطل، که جبههٔ متحد خلق از نیروهای خلقی و عمیقا "ضد امپریالیست تشکیل میشود و نه نیروهایی که هر روز به یک رنگ درمیآیند و یا در کنار جاده ها مانند کشتیبان امپریالیست هستند.

سابقهٔ تاریخی حزب توده در درو کردن جبههٔ متحد خلق در زمان دولت مردمی دکتر مصدق، سند زنده و گویایی است که نشان میدهد، این حزب تا چه اندازه به جبههٔ متحد خلق اعتقاد دارد! حزب توده خریدار جبههٔ ملی آنزمان تحت رهبری مصدق راهنگامی وابسته به سیاست آمریکا و علیه توده های مردم و رهبری آنرا عامل آمریکا و ملی گرایی را سنگر دشمنان عوام فریب خلق، سنگر دزدان و غارتگران و مزدوران فرومایهٔ استعمار روسیه دانست که جبههٔ ملی بعنوان یک نیروی مترقی در حالیکه در زیر ضربات خرد کنندهٔ استعمار انگلستان قرار داشت، بیش از هر وقت برای به خاک مالیدن پوزهٔ کثیف و زشت استعمار انگلستان، نیازمند به جبههٔ متحد خلق بود.

آقای کیانوری احزب توده در آن مرحلهٔ تاریخی، ضرورتهای اساسی

...نیش را مبنی بر اتحاد کلیه‌ٔ نیروهای کارگری، دهقانی و سایر طبقات و اقشار ملی علیه امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، نتوانست و یا نخواست که درک کند و چنان به ایجاد شکاف و تفرقه بین طبقات و نیروهای انقلابی پرداخت که حاصل آن جز به نفع ارتجاع آنزمان و شکست نهضت ملی ایران نبود.

در اینجا خوب است که سرمقاله‌ٔ روزنامه‌ٔ مردم شماره‌ٔ ۹۷ مورخ ۱۳۳۰/۵/۱۹ را به آقای کیانوری یادآور شویم آنجا که تحت عنوان "مصدق نقش دلال نفت را بازی میکند" چنین گفت: "اکنون برای مردم مراقب و هوشیار ایران کاملا" واضح و آشکار است که دولت مصدق، مسئله‌ٔ نفت را میخواهد به سود امپریالیسم پایان دهد و با نام ظاهر فریب ملی شدن، نفوذ استعماری را در منابع نفتی ایران پابرجا نگاه دارد. مصدق نقش دلال را بازی میکند. دکتر مصدق علنا "به منافع ملت ما خیانت میورزد و برای برپا نگاهداشتن نفوذهای ارتجاعی و امپریالیستی به ملت ما از پشت خنجر میزند!"

چنین بود که عاقبت چپ نمایی حزب توده منجر به ظهور اپورتونیسم راست در این حزب گردید، اپورتونیسمی که عواقب نابودکننده‌ٔ آن اکنون بیش از هر زمان دیگر حزب را در برابر تلاق ارتجاع و راستگرایی، فرو برده است. طوریکه آنرا به ارگانی برای جاسوسی ارتجاع تبدیل نموده است.

سیاست به اصطلاح ضدلیبرالی حزب توده نیز همچون سایر سیاستهای فرصت طلبانه و مصلحت گرایانه اش نیز نه بخاطر اعتقاد عمیق بدان میباشد بلکه حزب میخواهد، براساس تاکتیک مسلط همیشگی خود برای ادامه‌ٔ زندگی قسیل وارش در کنار هر حاکمی امکانی برای توجیه کاریها و حفظ خود بیابد چرا که اگر جز این بود، در گذشته نه چندان دور حزب توده نه از تیمسار دریادار ایران! حمایت میکرد و نه در انتخابات ریاست جمهوری به کاندیدا - های حزب ارتجاعی و دست راستی رای میداد. (ابدا توده ایها بعدا" فهمیدند که ایشان هم لیبرال بوده است!)

این سیاست به اصطلاح ضدلیبرالی کار حزب توده را به آنجا میکشاند

که حزب در یکی از وقیحانه‌ترین حرکتهای واپسگرایانهٔ خودش شانه به شانه ارتجاع (با شرکت در راهپیمایی ۱۳ تیر) سرمادهٔ گدایی انحلال ریشه‌دارترین نیروهای انقلابی (به نفع امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی) صحه میگذارد! چه کسی میتواند ادعای جبههٔ متحد خلق را که از جانب حزب توده دم زده میشود باور کند. و به عبارت دیگر منظور حزب توده از جبههٔ متحد خلق آیا به جز جبهه‌ای از چماقداران و به اصطلاح حزب اللهی‌ها میتواند باشد؟!

آقای کیانوری شما بر اساس سیاستهای تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه که همواره آنرا ترویج کرده‌اید، توصیه میکنید که مجاهدین به راست در غلطیده و با کسانی هم‌جبهه و متحد شوند که دشمن اصلی خود را نیروهای مترقی و در راس آن مجاهدین خلق میدانند این نهایت سازشکاری حزب توده در عرصهٔ سیاسی همان سیاست سازشکارانه و ورشکسته ایست که مبارزهٔ مسلحانهٔ فرزندان پیشتاز و انقلابی خلق، علیه ضدانسانی‌ترین و وابسته‌ترین رژیمهای تاریخ را ماجراجویی تلقی کرده و به ردشیوه‌های چریکی برای سرنگونی رژیم وابسته میپردازید!

کدام نیرویی میتواند انقلابی و ضدامپریالیست باشد، اما خشونت مسلسلهایی را که سینهٔ مستشاران آمریکایی و جلادان ساواک را هدف قرار میداده است، به نفع انقلاب ایران نداند و آنرا سکتاریسم و جدایی از توده‌ها بنامد و خود در دام فرصت طلبی و سازشکاری که بیماری همیشگی مسلمانان آن است گرفتار نباشد؟! کدام نیرویی است که بتواند نقش بسیج کننده و آگاهی بخش عمیقاً "توده‌ای شهادتهای حماسی را در انقلاب ضدامپریالیستی ایران نادیده بگیرد؟!

اگر مقاومت و استواری بی‌نظیر "مهدی رضایی ها" فاقد تاثیر تعیین کننده در توده‌ها بوده است، سیاستهای سکتاریستی و اپورتونیستی حزب توده هم میتواند اصولی باشد؟!

در قسمت دیگر از این اظهارات مشعشع، آقای کیانوری از بحث با هواداران مجاهدین سخن گفته است باید به ایشان بگوییم که، بعنوان هوا-

داران مناهدین خلق ایران همیشه حاضر به بحث بوده ایم و طبیعی است که آنرا
آنرا در جای مناسبی از مجموعه وظایف و مسئولیتهای انقلابی مان
قرار داده ایم.

اما شما بایستی ابتدا فرزندی خود را ثابت نمائید و بعداً "ادعای میراث
کنید. یعنی اول بایستی با بررسی پرونده، خیانتبار گذشته تان ثابت
کنید انقلابی هستید و سپس در صورت احراز صلاحیت وارد این میدان شوید.

چه کسی میتواند توبه نامه ها و فرارهای شما را در مقابل دشمن مغلوب
نادیده بگیرد؟ آقای کیانوری! اکنون شما چه دستپاچه ای برای بحث دارید
آیا بخاطر دارید که چگونه پس از رکود ننگین ۲۸ مرداد که خود با آن همسنگ
شروعهای سازمانی تسلیم آن شدید، به اتفاق آقای بودت که ایشان نیز از
اعضای هیئت اجرائیه حزب بودند به خارج گریختند و نقیه اعضای هیئت
آقایان یزدی و بهرامی و ... به نوشتن توبه نامه اقدام کردند. اگر به خاطر
ندارید یادآوری میکنیم که آقای یزدی یکی از افتخاراتش این بوده است که
توانسته از قیام حزب توده بر علیه شاه جلوگیری بعمل آورد و بهمین دلیل خود را
شایسته عفو ملوکانه میدانست! و مورد عفو نیز قرار گرفت و یا آقای بهرامی
خود را خائن قلمداد نمود و اعلام کرد که دیگر حاضر نیست نان خیانت بخورد! و
یا آقای قریشی دبیر کمیته ایالتی زدست راست آقای کیانوری که از رهبر
ان موثر حزب بود، پس از بازداشت به مشاور پلیس تبدیل شد و با نوشتن کتاب
سرکمونیسم در ایران، رسماً "درخدمت دشمن قرار گرفت. آقای کیانوری به
خاطر دارید که اپورتونیسم حاکم بر حزب توده که همچنان ادامه دارد، در سال
های ۳۴-۳۵ چگونه زندان قزل قلعه را به موسسه خیانت و ندامت تبدیل کرد
و مجله، عبرت به صورت ارگان رسمی مادمان این حزب درآمد!

کدام زندانی سیاسی است که در یوزگی رهبران حزب توده را از خاطر
خویش برده باشد؟ رهبرانی که بجای مقاومت برای رهایی خلق در مراسم
جشنهای روزهای ننگین رژیم، در زندان یا به آذین بندی مشغول بودند و یا
به مناسبت این روزها اعتراضی میکردند.

اینها عکس العمل خائنین حزب توده بود که بجز اندکی که بر اساس مواضع وویژگیهای فردی درزندان ماندندبقیه یا با اظهارندامت به عنوان مغز متفکر رژیم ، بار عمده سیستم سرکوبگر آریامهری را بدوش گرفتند ویا هم چون آقای کیانوری ازرهبران مقیم اروپا شدند!

آقای کیانوری چه توجیهی برای اظهارات رادیو پیک ایران (رادیو صدای حزب توده) میتوانید داشته باشید ، هنگامیکه این رادیو قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ رامحکوم مینماید واز اطلاعات کذایی شاه پشتیبانی میکند؟!

آقای کیانوری درقبال سیاست وابسته وکورکورانه حزب چه دارید بگویید ؟ جز اینکه اقرار نمایید که تئوری را نه بعنوان راهنمای عمل ودرسهای انقلابی کشورهای دیگر رانه بعنوان درس برای مبارزه وبا اتکاء به شعور سیاسی وشرایط ویژه جامعه ، بلکه به عنوان تقلید کورکورانه ودنباله روی محض فرا گرفته اید .

علیهذا ، اگر چنانچه جای بحثی مانده باشد همچنانکه گفته شد بحث هم جزئی از وظایف انقلابی ماست .

از آنجا که بنظر میرسد شما وحزبتان به سبب مردم فروشی و تسلیم طلبی های خائنانه در گذشته وحال به تنهایی قادر نیستید بار گناهان مواضع خود را حمل نمایید ، درقسمت دیگر اظهارات ضمن ابراز شعف میگویید : " به همان گونه که رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق بخش قابل توجهی از موضعگیریهای اشتباه آمیز خود را تصحیح کرده ، امیدواراست سازمان مجاهدین نیز ..." اما باید به شما آقای کیانوری خاطر نشان کنیم که جنابعالی دیر تشریف آورده اید ، پیش از حضرتعالی بسیاری از آنان که شما همواره مجیز خوانشان هستید وبه زعم شما مسلمان وانقلابی میباشند!وبه نظر ما مظاهر ارتجاع واسلام نمایی،چه درگذشته (سال ۵۴) وچه پس از انقلاب ، درمقاطع مختلفی بویژه پس از انشعاب درسازمان چریکهای فدائی وپس از آن درتابستان اخیر برای

ایجاد انحراف وسقوط وسازش ویا انشعاب وچند دستگی درسازمان مجاهدین ، سرمایه گذاریهای کلان کرده بودند. زیرا که آنان نیز هم چون شما تجاهل میفرمایند. چه سازمان مجاهدین خلق، با سابقه درخشان مبارزاتی خود وپشت سر گذاردن ضربات مهلک شهریور ۵۰ وضربه اپورتونیستهای چپ نما درسال ۵۴ ، اکنون از آنچنان مواضع انقلابی واصولی و انسجام تشکیلاتی برخوردار است که هیچگاه به خوشرقصیهای پیران سیاسی وقعی ننهند . درضمن دربرابر شما که آغوش برای بلعیدن فدائیان اکثریت گشوده اید، تا تمامی افتخارات گذشته آنان را به لوت خیانتهای خود بیالایید طبیعی است که آنان نیز نخواهند توانست هم مرضع یکسانی با شما داشته باشند وهم خود را از دافعه" توده ای " مبرا دارند .

سپس افزوده اید مجاهدین خلق، خط اقلیتهای فدایی را میرونند براستی که شما برای پیش بردن مقاصد غیر مردمی تان چاره ای جز این نیافته اید که با ادعای مارکسیست ـ لنینیستی بعنوان همتای مرتجعین ! در اینجا نیز حتی از تئوریهای عوامفریبانه آنان استفاده کنید. مگر اقلیت فدائیان خلق، از کی بوجود آمده اند که مجاهدین خط آنان را میرونند ؟!

آری بهتر است شما وحزبتان که به خاطر خیانت پیشگی و"مردم" ـ فروشی های چندین ساله ، حتی لغت " توده" را درفرهنگ انقلابی دارای دافعه خاص خود کرده اید ، راه سازشکارانه وواپستگی خود را به خارج دربین بگذارید وبر پرونده قطور فرصت طلبی تان همچنان بیفزایید، اما به حریمی که صلاحیت ورود درآن را ندارید ، نزدیک نشوید وبرای مجاهدین خلق دلسوزی ننمایید که شما رادراین حریم دیگر جایی نیست وتنها انقلابیون پاک ورزمنده ای به آن راه دارند که به هیچ سابقه وشائبه وابستگی ،سازش وخیانت و... آلوده نباشند.

انجمنهای دانشجویان مسلمان
دانشگاهها و مدارس عالی

۵۹/۸/۱۸